

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرح نوتاش
۱۳ جنوری ۲۰۱۷

مختصر اشاره های به جنایات مرد دوم

انقلاب ۹۹٪ مردم ایران برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، با شرکت طبقه زحمتکش شهرو روستا، اقشار میانی و بورژوازی ملی با پشتیبانی تمام احزاب و سازمان های چپ، ملی گرایان، ملی مذهبی ها و لیبرال ها به رهبری خمینی که کوخ نشینان را به کاخ نشینان ترجیح می داد در ۲۲ بهمن [دلو] ۱۳۵۷ پیروز شد. دو ماه بعد، در ۱۲ فروردین [حمل] ۱۳۵۸ با شعار جامعه بی طبقه توحیدی و اسلام ناب محمدی رأی گیری برای جمهوری اسلامی آری یا نه انجام شد. رأی مردم آری بود. و از همان جا آغاز شد مصیبت مان.

مثلث خبیث، نامی بود که از همان اوان مردم به تشکل سه نفر داده بودند. محمد بهشتی، اکبر رفسنجانی و سید علی خامنه ای. علت این بود که هر گاه این سه به دیدن خمینی می رفتند، که اکثراً با هم بود، فرمان انقلاب را کمی از طرف کوخ نشینان به طرف کاخ نشینان می چرخاندند.

مسئولیت انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی را مجاهدین بعد از مدتی پذیرفتند، ولی اکثر مجامع به رفسنجانی که کمی قبل، محل را ترک کرده بود مشکوک شدند و مجاهدین را به خود نمائی محکوم کردند. آن انفجار پایان خط بهشتی به همراه ۷۲ نفر بود.

از آن پس، اکبر و سیدعلی، با هم برای دیکته کردن فرامین نزد خمینی می رفتند. تا جایی که این انقلاب ۹۹٪ را که قرار بود حامی کوخ نشینان باشد تبدیل به حاکمیت حامی ۱٪ کردند. در کنار این چرخش عظیم به راست، زندان ها را به شدت فعال کرده و معترضان را زندانی و قتل عام کردند. حسین علی منتظری را که نایب امام بود و معترض به این وضع، از صحنه طرد و در خانه اش تا آخر عمر زندانی کردند.

درست است که صدام به ایران حمله کرد ولی آغاز فتنه توسط اینان با تهییج و حمایت حزب الدعوة شیعیان عراق برای قیام بود. حساب کشته ها و معلولین و ویرانی ها و بدبختی های حاصله از جنگ از هر دو طرف، با شما. برای پائین کشیدن حکومت سوسیالیستی* در افغانستان، حمایت و رشد انواع اسلامیت ها و کریه ترین فاجعه آفرینی ها، همپای امریکا با مسئولیت اینان بود. اینان مسؤول بدبختی ۳ ملت عراق، ایران و افغانستان اند، که تا امروز ادامه دارد. و تنها این سرآغاز کار شان بوده است. برای بر پائی حماس و حمایتش، تارو مار کردن دو جریان اصیل مبارز فلسطینی، الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین را سرکوب کردند و بودجه حماس تا همین امروز در تعهد اینان است.

با مرگ خمینی، رفسنجانی نمی توانست که بگوید مرا انتخاب کنید، پس برای این که رشته عمل از دستش خارج نشود به جد در رهبر کردن سید علی کوشید. و او را به عنوان رهبر به مردم ایران غالب کرد. اکبر فکر می کرد سید علی را نیز چون خمینی می تواند در چنگ خود داشته و فرامین خود را به او دیکته کند. برای همین هم تا روز آخر سید علی را رها نکرد. و به عنوان مرد دوم در کنار او بود. او در واقع خود را رهبر می دانست. چون طراح اصلی نظام سرمایه داری اسلامی او بود. برای مثال، طرح او بود که تمام اموال مصادره شده و بعضی اموال دولتی را برای ایجاد یک طبقه جدید اشراف به سپاه پاسداران بدهند. این انتخاب دو فایده بسیار مهم داشت. تبدیل بنیادی نظام به سرمایه داری و تطمیع و خرید مادام العمر ماشین جنگی ایران. امروز که سید علی می گوید اکبر تا به آخر او را دوست می داشته، یا هنوز هم رفسنجانی را نمی شناسد و یا در کتمان رهبری پنهان او است. او می گذاشت سید علی ژست رهبری را بگیرد. ولی خوب می دانست که رهبر واقعی این جهنم هم اوست.

یک شکارچی واقعی هرگز خود وارد صحنه نمی شود و همواره از راه دور فرمان می دهد، ولی در قتل احمد خمینی، خود او مستقیم در صحنه بود. او آخرین نفری بود که از خانه احمد خارج شد و علت قتل احمد، سخنرانی یک هفته قبل او در اصفهان علیه انحراف انقلاب از اهداف اولیه اش به نفع محرومین بود. چنان که احتمالاً کشته شدن خودش نیز می تواند سؤال او در مورد میلیاردهای کلان دزدی در دوره احمدی نژاد از بودجه مملکتی باشد. او از پیروان اخوان المسلمین بود که در سال ۱۹۲۸ توسط انگلیس در قاهره بنیان گذارده شده و بعد ها به طرف امریکا چرخیده بود. از این رو از مرسی جانب داری می کرد و دوست شیخ های عرب بود.

ولی سید علی با بیت خود، یک دست حجتیه و مجری پنهان امپریالیسم انگلیس است. ترامپ در سخنرانی های انتخاباتی اش بلند اعلان کرد: اگر سعودی ها می خواهد امریکا باز هم از حکومتشان حمایت کند، باید مبلغ بیشتری به امریکا بدهند. هفته بعدش جانسون وزیر خارجه انگلیس و چند روز بعد ترزا می نخست وزیر انگلیس به دیدار پادشاه عربستان سعودی رفتند. یعنی عربستان از امریکا باز به طرف انگلیس حامی اولیه اش رو کرد. حال باید روابط ایران و عربستان رو به بهبود رود!

منظور این است که چرب کردن سبیل ارباب خرج دارد. و منشأ این دزدی های مدام و کلان روشن. اگر این جوانک "زنجانی" را جلو انداخته اند و دست به دست می گردانند برای این است که خود می دانند که او تنها اوامر آنها را اجرا کرده است. شیعه سازی در جهان هم، فرمان همین کانال است. رقابت دو امپریالیسم در ایران، باعث رویارویی سید علی و اکبر شد.

در بهار ایرانی "جنبش سبز" اکبر با سوار شدن بر موج اعتراض مردم به حاکمیت در پی تمديد این رژیم برای پنجاه سال بعدی بود که سید علی و بیتش با کودتا و روی کار آوردن دلچک خود برای غارت ملی، ابتکار عمل را از او ربودند. شیعه سازی نیز از مسؤولیت های همین کانال است.

این مردم معترض به حاکمیت، که امروز در خیابان های تهران با عکس اکبر در دست، آزادی موسوی و کروی را می خواستند از فرط استیصال و بی رهبریت است. که گرگ را به شغال ترجیح داده اند.

رفسنجانی طراح تمام قتلهای زنجیره ای، از جمله اشرف السادات برقه ای دوست دختر یاسر، پسر بزرگ رفسنجانی است. او به جای این که پسر خود را تنبیه کند دست زن مردم را داد روی اجاق سوزانند. سعید امامی وقتی برای گفتن اسرار در زندان فقط خاتمی را خواست، خاتمی بعد از بیرون آمدن از سلول سعید امامی، دستهایش را بهم می مالید و می گفت آخ آخ.

او نمی توانست از آنهمه جنایاتی که به فرمان رفسنجانی اجراء شده بود چیزی به کسی بگوید.

امروز اگر حسن خمینی برای مرگ اکبر می گریست برای این است که می داند دیگر رؤیای رهبری را باید به گور ببرد.

مرگ این مرد دوم، این رهبر اصلی در پشت پرده، که احتمالاً چون امیر کبیر به فرمان انگلیس در حمام " استخر " که رگها و گردش خونس به نوعی دستکاری شده است، آغاز دوره نهائی این جمهوری جهنمی است. آغاز دوره سقوط. او می خواست دوره نوینی از استیلای اخوان المسلمین را در ایران راه اندازی کند ولی حجتیه انگلیس تمام قدرت را می خواهد.

نبود انتخاب ما ... این رهبر

او گرفته حکم رهبری از اکبر

حال ... با مرگ اکبر

باطل شده است حکم رهبر

جبهه جهانی ضد امپریالیست قدرت زنان وین ۹ جنوری ۲۰۱۷

یادداشت:

*- این که نویسنده حاکمیت مزدوران روس در افغانستان را که به اعتراف شخص "بیرک کارمل" این مزدور رسوای سوسیال امریکایی شوروی، در مدتی کمتر از دو سال بیش یک میلیون انسان درد مند افغان و نسلی از بهترین فرزندان این کشور و در پیشاپیش همه، جنبش مارکسیستی- لنینیستی افغانستان را به خاک و خون کشید، "سوسیالیست" می داند؛ نشان می دهد که یا نویسنده چیزی از تاریخ افغانستان نمی داند و یا هم معلوماتش راجع به سوسیالیزم محدود به تبلیغات امپریالیزم می باشد.

اداره پورتال AA-AA